

دکتر گری میدورز، رساله اول قرن‌تین، درس دوازدهم

پاسخ پولس به ابلاغیه شفاهی از

خانه کلویی، بخش سوم، رساله اول قرن‌تین ۲: ۵-۱۶

گری میدورز و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر گری میدورز در حال تدریس در مورد کتاب اول قرن‌تین است. این سخنرانی ۱۲ است، پاسخ پولس به ابلاغیه شفاهی از خانه کلویی، فصل ۲، آیه ۵ تا آیه ۱۶.

خب، همانطور که سخنرانی‌هایمان را در اول قرن‌تین ادامه می‌دهیم، در فصل‌های ۱ تا ۴ هستیم و این سخنرانی تا فصل ۴ به پایان می‌رسد، حتی اگر مجبور باشیم برای جلسه بعدی به فصل ۵ برویم، زیرا زمان زیادی را صرف کرده‌ایم، اگرچه مسائل بسیار گسترده‌ای وجود دارد، به ویژه مسئله معرفت‌شناسی و اینکه چرا پیام پولس برای آن جامعه اولیه بسیار معتبر بود.

می‌خواهم امروز کمی از چیزی که آن را «بحث تکمیلی» می‌نامم، استفاده کنم. این بحث، نگاهی به ایده‌ای است که در این متن وجود دارد و آن را در یک عرصه الهیاتی بزرگ‌تر بررسی می‌کند. این بحث در بخش‌های ۱۶ مطرح می‌شود، به دلیل عذرخواهی پولس از اینکه چگونه می‌داند چه می‌داند و چرا دانش او ۶، ۲، معتبر است، که در سخنرانی قبلی‌مان در مورد آموزه‌های روح‌القدس دیدیم. بنابراین، این یک معرفت‌شناسی کتاب مقدسی است.

این از بسیاری جهات، اساس پذیرش متون مقدس به همان شکلی که هستند و اصرار ما بر پیروی از متون مقدس به همان شکلی که هستند، است. روح و هدایت در طول عصر کلیسا یک مسئله معرفت‌شناختی کلیدی است. من کتابی در مورد شناخت اراده خدا نوشته‌ام و در آن فصلی در مورد روح‌القدس دارم.

من یک فصل در مورد وجدان، یک فصل در مورد دعا و چند مورد دیگر دارم که می‌توانید آنها را بازیابی کنید. بهترین مکان برای تهیه آنها در حال حاضر نرم‌افزار کتاب مقدس لاگوس است و می‌توانید آن را به صورت یک کتاب جداگانه خریداری کرده و بخوانید، یا می‌توانید آن را در بسته‌های آنها به دلخواه خود خریداری کنید. اما می‌خواهم در مورد مسئله معرفت‌شناسی کتاب مقدس صحبت کنم.

معرفت‌شناسی و به ویژه مفهوم روشن‌بینی، که اول قرن‌تین ۲، ۶ تا ۱۶ توجه ما را به آن جلب می‌کند، و این متن اغلب برای این ادعا استفاده شده است که خداوند مستقیماً اطلاعات را به طرق مختلف به مسیحیان منتقل می‌کند. من فکر نمی‌کنم این متن در مورد این باشد، بنابراین می‌خواهم کمی وقت بگذارم و در اینجا در مورد اینکه این ایده روشن‌بینی چیست صحبت کنم. اکنون اصطلاح روشن‌بینی را در گیومه می‌گذارم زیرا این یک ساختار الهیاتی است.

هیچ جمله‌ای وجود ندارد که خدا به خودی خود شما را روشن می‌کند. در الهیات سیستماتیک، روشن شدن را می‌توان به روش‌های مختلفی تصور کرد، اما اگر به الهیات‌های سیستماتیک استاندارد در این زمینه نگاه کنید، متوجه خواهید شد که راه بهتر برای صحبت در مورد روشن شدن، صحبت در مورد شهادت روح است. این عبارتی است که کل ایده الهیات روشن شدن از آن ناشی می‌شود.

اغلب تصور می‌شود که نور در سطح نیمکت به این معنی است که خدا مستقیماً به شما می‌گوید کتاب مقدس چه معنایی دارد، چیزی شبیه به این. متأسفم، اما این ساخته و پرداخته تخیل مردم است. ما باید

بسیار مراقب باشیم که خودمان را در حال صحبت با خودمان اشتباه نگیریم، انگار که خدا چیزی به ما می‌گوید.

حال، بیایید در مورد مفهوم روشنائی و مسئله شهادت روح فکر کنیم. سه متن وجود دارد که در مورد شهادت روح صحبت می‌کنند. رومیان ۸:۱۶، خود روح با روح ما شهادت می‌دهد که ما فرزندان خدا هستیم.

در آن زمینه خاص، شهادت روح چیزی درونی برای مؤمن است که به ما این اطمینان را می‌دهد که ما مسیحی هستیم، که واقعاً به عیسی مسیح ایمان داریم، که دوباره متولد شده‌ایم، از نو زاده شده‌ایم، که آنچه خدا وعده داده است برای ما اتفاق خواهد افتاد، رخ داده است. ما این را می‌دانیم. ما دقیقاً نمی‌توانیم آن را در یک لوله آزمایش قرار دهیم، اما به یقین می‌دانیم که عیسی مسیح نجات‌دهنده شخصی ماست و این اطمینانی که داریم، کار روح است.

این شهادت روح در درون ماست. این همان چیزی است که رومیان ۸:۱۶ درباره آن صحبت می‌کند. اول یوحنا ۵:۱۰ نیز متن دیگری است.

کسی که به پسر خدا ایمان دارد، در درون خود شاهد دارد. این جنبه دیگری از اطمینان از نجات است. در واقع، رساله اول یوحنا به طور خاص نوشته شده است تا به مؤمنان اطمینان از نجاتی را که ادعا می‌کنند بدهد.

در حال حاضر نمی‌توانم به رساله اول یوحنا بپردازم، اما هدف آن همین است. در فصل ۵، در مورد این موضوع صحبت می‌شود. این مطالب نوشته شده است تا بدانید که او را می‌شناسید.

رومیان ۵، محبت خدا از طریق روح القدس در قلب‌های ما ریخته شده است. محبت خدا، به معنای عشق، کلمه‌ای است که تمام اخلاقیاتی را که در رابطه با اطاعت ما از خدا و در رابطه با اطاعت ما از خدا نسبت به دیگران وجود دارد، در بر می‌گیرد. محبت خدا از طریق روح القدس در قلب‌های ما ریخته شده است. محبت خدا، به معنای عشق، کلمه‌ای کلیدی برای تمام اخلاقیاتی است که در رابطه با ما نسبت به اطاعت از خدا و در رابطه با ما نسبت به دیگران وجود دارد.

بنابراین، شهادت روح در این متون عمدتاً مربوط به مسئله نجات، تضمین نجات و اعتقاد ما در رابطه با تعهدات اجتماعی‌مان است. حال، در اینجا کمی مرور تاریخی از این به اصطلاح الهیات اشراق ارائه می‌دهیم. من آن را دوست ندارم، اما از آن استفاده خواهم کرد زیرا توسط برخی استفاده می‌شود - یک مرور تاریخی از این موضوع.

در تاریخ کلیسای غرب، و یک بار دیگر، ما به کلیسای غرب نگاه می‌کنیم؛ در دهه ۱۵۰۰ میلادی، بین کلیسای کاتولیک روم و اصلاح‌طلبان، به ویژه در مورد مسئله اقتدار، اختلاف نظر وجود داشت. برای رومی‌گراپی، کلیسا اقتدار نهایی را اعمال می‌کرد، از جمله اقتدار انحصاری، دولت و معنای کتاب مقدس. حال، همانطور که می‌دانید، این به مذاق اصلاح‌طلبان خوش نیامد.

از نظر اصلاح‌طلبان، مرجعیت تنها در کتاب مقدس نهفته است و مؤمن حق و مسئولیت دارد که کتاب مقدس را مطالعه کند و در مورد معنای آنها به نتیجه برسد. بنابراین، در دوره اصلاحات، اختلاف نظر در مورد محل مرجعیت وجود داشت. آیا مرجعیت در کلیسا نهفته است یا مرجعیت تنها در کتاب مقدس؟ بسیار خوب، پس، از نظر تاریخی این را می‌دانید.

کتاب «مؤسسات» نوشته جان کالوین، در جلد اول این کتاب، کالوین با تغییر کتاب مقدس، کلیسا، که ساختار رومی بود، به این مسئله تاریخی پرداخت، کتاب مقدس، کلیسا، اما شما از طریق کلیسا به کتاب مقدس می‌رسید. کالوین معادله را به کتاب مقدس، روح تغییر داد، کلیسا را از معادله خارج کرد و به روح این دسته را داد. کلیسا به کلام اقتدار می‌دهد.

در مفهوم رومی، از نظر تاریخی، روح به کلام اقتدار می‌بخشد. و بنابراین، کالوین معادله را از کلام، کلیسا، به کلام، روح تغییر داد. او آن را آموزه شهادت نامید.

به عبارت دیگر، روح القدس در درون ما شهادت می‌دهد و ما کاملاً آن را درک نمی‌کنیم. این یک اعتقاد است. من فقط از کلمه اعتقاد استفاده کردم.

اعتقاد درونی ما به معتبر بودن کلام خدا مهم است، و ما باید به آن بییونددیم، کاری است که روح القدس در ما انجام می‌دهد. کالوین نقش روح القدس را ملزم کردن قلب مؤمن می‌دانست. و منظور از کلمه، قلب در کتاب مقدس چیست؟ قلب همان ذهن است.

در مورد حقیقت، این قلمرو ذهن است، اینطور نیست؟ و مرجعیت کتاب مقدس. او آن را تأیید مؤثر کلام نامید. بنابراین، کلام و روح، از دل اصلاحات، با هم کار می‌کنند.

می‌بینید؟ این معرفت‌شناسی است. معرفت‌شناسی کلیسای روم در آن دوره، کلام و کلیسا بود. کلیسا مرجعیت داشت.

اما اکنون، این کلام و روح است. روح این اقتدار را دارد که با کلام همراه شود. البته، این امر مشکلات خاص خود را ایجاد کرد و تنوع زیادی را در جهان غرب به وجود آورد، زیرا عرصه را برای چیزی غیر از یک وضعیت کلان مانند کلیسای روم به عنوان مرجع باز کرد.

از نظر کالوین، نقش روح القدس، افناع بود، نه محتوا. محتوا، کلامی بود که روح القدس به آن شهادت می‌داد. اجازه دهید دوباره به کلمه شهادت برگردم، زیرا در متن خود کتاب مقدس، این اصطلاحی است که برای روح القدس به کار رفته است.

روح با روح ما، با وجود درونی ما، شهادت می‌دهد که ما فرزندان خدا هستیم. خوب، این چطور ممکن است؟ خوب، کتاب مقدس می‌گوید، با تمام قلب و تمام ذهن خود به خداوند عیسی مسیح ایمان بیاور، و نجات خواهی یافت، باشه؟ خوب، من فهمیدم منظورش چیست. من به عیسی گناهم و نیازم به یک نجات‌دهنده را اعتراف کردم.

من مسیحی شدم. سپس، ناگهان، این اعتقاد در درونم فوران کرد. این درست است.

انگار پرده از روی چشمانت برداشته شده. قبلاً من یک مؤمن بودم؛ می‌توانستم کتاب مقدس را بخوانم، و دانشجوی کتاب مقدس نبودم، اما خواندن صرف کلمات معنی نداشت. فکر می‌کنم این تقریباً برای هر کسی صادق باشد.

باید آن را مطالعه کنی. اما من آن را خواندم. منطقی نبود.

اما بعد از اینکه مسیحی شدم، ناگهان انجیل یوحنا به من داده شد. من در نیروی دریایی به مسیحیت گرویدم و کلیسایی که در آن مسیح را پذیرفتم، یک انجیل یوحنا به من داد تا بخوانم، و آن را خط کشی کرده و

زیرش خط کشیده بود و غیره، تا برایم قابل فهم شود. ناگهان، وقتی گفتم خدا جهان را آنقدر دوست دارد، جایی داشتم که می‌توانستم اسمم را در آن بنویسم.

راستش را بخواهید، این خیلی مؤثر است. حالا من عضوی از خانواده خدا هستم و آن اعتقاد درونی را دارم. در واقع، بعد از اینکه از نیروی دریایی بیرون آمدم و به مدرسه رفتم، به این فکر افتادم که خب، می‌دانید، این طرز فکر مسیحی خیلی سلطه‌جویانه است.

مطمئن نیستم که این را می‌خواهم، و در واقع سعی کردم به رستگاری‌ام شک کنم. سعی کردم شک کنم که همه اینها در مورد من صادق است، و حتی در بحبوحه تلاش برای شک کردن، احساس حماقت می‌کردم. داری چه کار می‌کنی؟ خودت که می‌دانی حقیقت دارد.

این به طرق مختلف در زندگی شما به اثبات رسیده است. ذهن شما تغییر کرده است. تفکر شما تغییر کرده است.

رفتارت عوض شده. فقط تسلیم شو و باهاش کنار بیا، و اساساً، این شک من بود. شک من با آن اعتقاد درونی به من نشان داد که من واقعاً یکی از فرزندان خدا هستم.

بنابراین، از نظر اصلاح‌طلبان، مرجعیت تنها در کتاب مقدس نهفته است و مؤمن حق و مسئولیت دارد که کتاب مقدس را مطالعه کند و در مورد معنای آن به نتیجه‌گیری برسد. کالوین این نقش روح‌القدس را به عنوان یک الزام، یک تأیید مؤثر از کلام می‌دانست. بنابراین، نقش روح‌القدس در این مورد این نیست که به من بگوید کتاب مقدس به چه معناست، بلکه این است که مرا متقاعد کند که همزمان با یادگیری معنای کتاب مقدس، مرا متقاعد کند که این کتاب درست است، قانع‌کننده است و ضروری است.

به عنوان رام، که کتابی در مورد شهادت روح نوشته است، این تنها کتابی است که می‌دانم تقدیم شده است. در واقع یک پایان‌نامه بود، اما کتابی بسیار خواندنی به نام «شهادت روح» است. می‌توانید آن را در کتابخانه‌های مختلف پیدا کنید.

او کالوین را با این جمله خلاصه کرد، نقل قول، زیرا شهادت یک ترغیب است، ترغیبی در مورد چیزی است. خود آن چیز نیست. ترغیب خودشکوفایی نیست، اما این ترغیب در مورد چیزی است.

این محتوای خودش نیست. شهادت یک عمل آشکارکننده است، نه یک محتوای آشکار شده. عمل محکومیت است.

این یک اشراق است، نه یک ارتباط. اشراق اکنون به معنای یقین است، و من فکر می‌کنم این بهترین راه برای فکر کردن به آن است. به همین دلیل، کالوین با مشتاقان این تاریخ که ادعای وحی با محتوا را داشتند، مخالفت کرد.

در زمان کالوین و اصلاحات، برخی از جنبش‌های الهیاتی در جامعه ما وجود نداشت، اما برخی به نام مشتاقان وجود داشتند که در رقابت با کتاب مقدس، مدعی وحی مستقیم از جانب خدا بودند و کالوین گفت، نه این قابل قبول نیست. اکنون، لازم نیست کالوینیست باشید تا با کالوین همراه شوید. کالوین بینش‌های خوبی داشت، بینش‌های بسیار کاربردی در مورد کلام، و من فکر می‌کنم این یکی از آنهاست، اما کالوین مطمئناً تنها نیست.

انواع مختلفی از الهیات سیستماتیک وجود دارد، اما اکثریت قریب به اتفاق الهیات سیستماتیک، شهادت روح را دقیقاً به همان شکلی که من به شما می‌گویم، می‌بینند. این ایده‌ی هوشمندانه‌ای از خودم نیست. یک مرور کلی الهیاتی از این موضوع

شهادت روح در رابطه با تثلیث. چگونه شهادت می‌دهد، چگونه روح در تثلیث عمل می‌کند؟ خب، نقش روح این است که مسیح را جلال دهد. این نقش روح است

، نقش روح القدس این نیست که خود را برتر بداند. نقش روح القدس این است که مسیح را برتر جلوه دهد و انجیل یوحنا در جاهای خاصی در این مورد صحبت می‌کند، تا مسیح را به مردم توجه دهد و مردم را در مورد مسیح متقاعد کند. این نقش روح القدس است

وقتی بیرون می‌رویم و انجیل را با مردم به اشتراک می‌گذاریم، می‌توانیم روی این واقعیت حساب کنیم که روح خدا به این فعالیت علاقه‌مند است و مردم را از طریق شهادت کتاب مقدس در مورد نیازشان به مسیح متقاعد خواهد کرد. روح هرگز به عنوان یک هدف در خود تصویر نشده است، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به یک هدف، یعنی مسیح، است. او ما را به سوی مسیح هدایت می‌کند، او مسیح را جلال می‌دهد و مسیح را از طریق کلام به ما می‌آموزد

این شخص و کار مسیح است. من پاراگراف‌های بالای ۶۲ را برای شما نمی‌خوانم. شما می‌توانید آن را بخوانید

این فقط بیشتر شبیه به همان است. در مورد اجرای نقشه‌های الوهیت توسط روح صحبت می‌کند، و آن اجرا همان روحی است که ما را به سمت کتاب مقدس سوق می‌دهد. می‌توانم این‌طور بگویم

اگر شما یک اجبار و انگیزه‌ی قوی برای مطالعه‌ی کتاب مقدس، یادگیری آن، یادگیری آن در سطح جدی و به اشتراک گذاشتن آن با دیگران نداشته باشید، فاقد واکنشی به روح القدس هستید زیرا این کاری است که روح القدس انجام می‌دهد. شما آن خلأ را با چیزهای دیگر، احتمالاً فعالیت‌ها، احتمالاً سوسیالیسم، فعالیت‌های اجتماعی، پر می‌کنید و آن را با آنچه برای مفید بودن در کلیسای خدا نیاز دارید، پر نمی‌کنید: دو، شهادت روح القدس و وحی

روح به کلام شهادت می‌دهد. کلام و روح، موجودیت‌های مستقلی نیستند. روح به کلام وابسته است، به این معنا که در آن عمل می‌کند

شما نمی‌توانید کلام را بردارید و اینجا بگذارید و بیایید و بگویید، روح به من بگو چه باید بکنم. نه، شما به کلام مراجعه می‌کنید تا بفهمید چه باید بکنید و از روح خدا می‌خواهید که به شما کمک کند تا از کتاب مقدس اطاعت کنید. شما کلام و روح را از هم جدا نمی‌کنید

آنها با هم می‌آیند. شهادت روح و رستگاری. در واقع متن در همین جا آمده است

این در متن رستگاری است. ما آیات خاصی برای تعدادی از این دسته‌های دیگر نداریم. ما در حال انجام یک ساختار الهیاتی در آنجا هستیم

شهادت روح و رستگاری. روح به همراه روح ما شهادت می‌دهد که ما فرزندان خدا هستیم. کاری که به موجب آن روح، شخص را قادر می‌سازد تا حقیقت کلام در مورد نیاز خود به رستگاری را تشخیص داده و به آن پاسخ دهد

این کلام خداست. شهادت روح و تفسیر آن. هیچ متنی در کتاب مقدس وجود ندارد که به شما بگوید روح قرار است به شما بگوید کتاب مقدس به چه معناست.

و ما به چند متنی که به این شکل مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند نگاهی خواهیم انداخت. دو یا سه مورد در واقع، همین‌ها کافی است.

اما این نقش روح نیست. نقش روح این نیست که تفسیر شما باشد. نقش روح این است که شما را متقاعد کند که کتاب مقدس جدی و واقعی است، باید مطالعه شود، باید باز شود و بهتر است شما مشغول شوید.

نقش روح همین است. من اینجا یک پاراگراف خیلی طولانی دارم، اما خیلی طولانی است و می‌خواهم آن را برای شما بخوانم. می‌توانید با من همراه شوید و بخوانید.

این چیزی است که باید در مورد آن فکر کنید و آن را باز کنید. من خیلی فکر کرده‌ام و این نتیجه نهایی مطالعات زیادی است. هر مؤمنی با روح القدس رابطه‌ای را حفظ می‌کند.

وقتی مسیحی می‌شویم، روح خدا با ما رابطه برقرار می‌کند. ما اغلب از این زبان استفاده می‌کنیم که گویی روح در ما ساکن است. این یک استعاره الهیاتی است.

وقتی گفته می‌شود که روح در شما ساکن است، به این معنی نیست که تکه‌ای از خدا در سینه‌تان دارید. متأسفانه، می‌ترسم که این نوع تصویرسازی اغلب برای مردم اتفاق می‌افتد. نه، معنای ساکن بودن روح در شما به این معنی است که شما یک رابطه واقعی با خدا دارید که توسط روح خدا انرژی می‌گیرد.

آنچه معمولاً روشن‌بینی نامیده می‌شود، فایده‌ی تجدید حیات است که در آن روح به مؤمن کمک می‌کند تا ظرفیت تسلیم شدن در برابر آموزه‌های کتاب مقدس در مورد خود و جهانمان را به کار گیرد، تا بتوانیم توسط کتاب مقدس تفسیر شویم. روح خدا به ما کمک می‌کند تا به این امر دست یابیم، آن را بپذیریم، نه اینکه محتوای آن را به ما بدهد، بلکه احتمالاً با اراده‌ی ما، به طور غالب، کار می‌کند تا ما را به زانو درآورد و حقیقت خدا را دریافت کند. فرآیند واقعی دسترسی به معنای مورد نظر کتاب مقدس، وظیفه‌ی هرمنوتیک است.

توانایی آشکار کردن این معنای مورد نظر، به مهارت مفسر در به‌کارگیری علم و هنر هرمنوتیک و تمایل او به تسلیم شدن در برابر آموزه‌های واقعی کتاب مقدس بستگی دارد. ببینید، مشکل بزرگ همین‌جاست. آن دسته از محققان انجمن ادبیات کتاب مقدس، کتاب مقدس را می‌شناسند، اما هرگز به طور قابل توجهی تسلیم آموزه‌های آن نشده‌اند.

این برای آنها یک چیز آکادمیک است، نه یک چیز واقعی در زندگی. هیچ اشکالی در چیز آکادمیک وجود ندارد. این [موضوع/موضوع/موضوع] اطلاعات بی‌پایانی در مورد تاریخ، فرهنگ، زبان و غیره و غیره در اختیار ما قرار داده است.

اما روح خدا گام بعدی است تا ما را به زانو درآورد، گویی، و از اخلاق و آداب که کتاب مقدس به ما می‌دهد پیروی کنیم. توانایی آشکار کردن این معنای مورد نظر به مهارت مفسر در به‌کارگیری علم و هنر تفسیر بستگی دارد. روح، محتوا را منتقل نمی‌کند، چه جدید و چه تفسیری.

روح القدس به شما نخواهد گفت که کتاب مقدس به چه معناست. اگر فکر می‌کنید که این اتفاق می‌افتد، این خودتان هستید که با خودتان صحبت می‌کنید. این نقش روح القدس نیست.

هیچ متنی در هیچ کجا این را به شما نمی‌گوید. این یک ساختار ذهنی است که شما پذیرفته‌اید. چنین چیزی آنجا نیست.

بلکه، روح، به شیوه‌های غیرقابل توضیح، به مفسر کمک می‌کند تا تسلیم آموزه‌ای شود که به آن دسترسی پیدا می‌کند و در عین حال از تحمیل اجتناب کند، و باید بگوییم، سعی می‌کند از تحمیل مجموعه ذهن-اراده-احساس، که از مطالب اجتناب می‌کند یا آنها را به مسیرهای خودخواهانه تحریف می‌کند، اجتناب کند. حال، این ایده هوشمندانه من نیست. من در اینجا یک کتابشناسی به شما ارائه داده‌ام تا بتوانید در مورد چیزهایی که من در مورد آنها صحبت کردم بخوانید و توضیحات بیشتری پیدا کنید، اما آن را مطابق با آنچه می‌گوییم، یعنی نقش روح در رابطه با این سوال تفسیر، خواهید یافت.

اینجا نویسندگان بسیار متنوعی وجود دارند و مطالب زیادی وجود دارد که می‌تواند شما را برای مدتی مشغول نگه دارد. من آنها را که توصیه می‌کنم ابتدا بخوانید، برجسته کرده‌ام. در مورد اینکه چه کسی آن را نوشته، قضاوت عجولانه نکنید.

قضاوت‌های خود را بر اساس چگونگی تفسیر متن از آنچه به شما می‌گوید، انجام دهید. حال، متن کلیدی که ما را به این بحث در مورد روشن بینی می‌رساند، اول قرن‌های ۲:۶-۱۶ است. بسیاری ۲:۱۵ را گرفته و آن را از کتاب مقدس استنباط کرده‌اند.

شخصی که روح دارد در مورد همه چیز قضاوت می‌کند، اما چنین شخصی تابع قضاوت‌های صرفاً انسانی نگاه کنیم NRSV نیست. من در واقع ترجمه تحت‌اللفظی‌تر آن را دوست دارم. ببینید برای لحظه‌ای به

کسانی که روحانی هستند همه چیز را تشخیص می‌دهند و خودشان تحت بررسی دقیق هیچ کس ۲:۱۵ نیستند. این یعنی چه؟ آیا شما همه چیز را تشخیص می‌دهید؟ آیا همه چیز را می‌دانید؟ من همه چیز را نمی‌دانم، و به جرات می‌توانم بگویم که احتمالاً در این مورد خیلی بیشتر از اکثر شما فکر کرده‌ام. من همه چیز را نمی‌دانم، بنابراین متن به طور مطلق نمی‌گوید که فقط به دلیل داشتن روح، دانای کل هستید.

نه، اینطور نیست. با این حال، به این معنی است که من فکر می‌کنم روح خدا به طور قطعی در درون ما کار می‌کند تا بتوانیم واقعیت آفریده شده را درک کنیم. اینکه تمام واقعیت‌های آفریده شده منبع خود را در خدا دارند.

هیچ چیز در خلقت وجود ندارد که خدا را غافلگیر کند. او ممکن است تصمیم به مداخله نگیرد و اغلب این کار را نمی‌کند، حتی در شرارت‌های فیزیکی که در این دنیا وجود دارد. بسیاری از شرارت‌ها در این دنیا برای افراد خوب و خداترس اتفاق می‌افتند، و خدا هیچ اقدامی برای جلوگیری از آنها نمی‌کند.

خداوند معمولاً تصمیم نمی‌گیرد که در وقایع این جهان دخالت کند، و با این حال، به طریقی که ما حتی نمی‌دانیم یا سرنخی از آنها نداریم، او تاریخ را از بسیاری جهات در جهان تنظیم می‌کند. از قطره یک، از یک قطره باران گرفته تا، از ریزش یک قطره باران گرفته تا سقوط یک پادشاهی، همانطور که کسی گفته است، هیچ چیز خدا را غافلگیر نمی‌کند. و بنابراین، کسانی که معنوی هستند همه چیز را تشخیص می‌دهند، و خودشان مشمول بررسی دقیق هیچ کس نیستند.

حالا می‌توانی آن یکی را برداری و مشکل ایجاد کنی، نه؟ اینکه قرار نیست توسط هیچ کس دیگری مورد انتقاد، بررسی یا ارزیابی قرار بگیری. بدیهی است که آن متن چنین معنایی ندارد. گفتنش خنده‌دار است.

این کار را انجام داده است یا خیر و آن را روشن کنیم. 2:15، شخصی که روح دارد در NIV بیابید ببینیم آیا مورد همه چیز قضاوت می‌کند. خب، شما این قضاوت‌ها را چه می‌کنید؟ چگونه این قضاوت‌ها را می‌کنید؟ این روح نیست که قضاوت می‌کند؛ شما با روح قضاوت می‌کنید.

همانطور که در آیات ۲:۶-۱۶ خواندیم، روح، وحی کننده بوده است. شما متن را دارید، جهان بینی را دارید و قضاوت‌های خود را می‌کنید. اما چنین شخصی صرفاً تابع قضاوت‌های انسانی نیست. به عبارت دیگر، شما و پولس این را در موارد متعددی گفتید: شما تابع قضاوت شخص دیگری نیستید، بلکه تابع قضاوت خدا هستید.

پولس در آیه ۴:۴ می‌گوید که اگر لحظه‌ای به آنها توجه کنید، آیات بسیار جالبی اینجا وجود دارد. طبق انجیل جدید، وجدان من آسوده است، اما این مرا بی‌گناه نمی‌کند. خب، این جالب است.

من فکر می‌کردم وجدان پاک به شما راه باز می‌دهد، نه طبق گفته‌ی پولس. این خداوند است که در مورد من قضاوت می‌کند. پولس به قرن‌تیان می‌گفت، شما می‌توانید هر چیزی در مورد من بگویید، اما در نهایت، من در مقابل خدا می‌ایستم.

خدا مرا قضاوت خواهد کرد. در این میان، چگونه می‌توانیم قضاوت کنیم؟ ما بر اساس ارتباط آموزه‌های کتاب مقدس با مسائلی که در دنیای خود با آنها سر و کار داریم، قضاوت می‌کنیم. بیشتر مشکلات، بیشتر چالش‌های فرهنگی و بیشتر چیزهایی که ما، به عنوان مسیحیان در دنیای مدرن خود، با آنها سر و کار داریم، هیچ متن اثباتی در کتاب مقدس ندارند.

آیا این بدان معناست که کتاب مقدس به آنها نپرداخته است؟ خیر. شما باید به یک طبقه‌بندی بالاتر بروید. شما باید از آن هرم به سمت ساختارهای خلاقانه بالا بروید، جایی که می‌توانید جهان بینی کتاب مقدس را در رابطه با مشکلاتی که با آنها روبرو هستید، درک کنید.

شما نمی‌توانید فقط به گفتن «خدایا، به من بگو چه کار کنم «یا» به من بگو معنی‌اش چیست «متوسل شوید. این کلیشه‌ای است که ما در بسیاری از بافت‌های مسیحی خود داریم که با مطالعه دقیق خود کتاب مقدس تأیید نمی‌شود. و البته، این نوع رویکردها به زندگی، ویرانی‌های زیادی را برای افرادی که فکر می‌کنند باید اینگونه باشد، ایجاد می‌کند.

آیا تا به حال از دست خدا عصبانی شده‌اید چون چیزی را به شما نگفته است؟ فکر می‌کنم همه ما در برهه‌ای از زمان عصبانی شده‌ایم، اما حق نداریم عصبانی باشیم چون او هرگز قول نداده که این کار را انجام دهد. این روش معمول خدا برای انجام این کار نیست. متن دیگری هم وجود دارد که متن جالبی است.

غلاطیان ۵:۱۸. من می‌خواهم آن را از نسخه استاندارد جدید اصلاح شده بخوانم. غلاطیان ۵:۱۸. من مجبور بودم به آنجا بروم، باید آن را علامت می‌زدم. به این متن گوش دهید.

آیه ۱۶. غلاطیان ۵ فصل مهمی در مورد روح القدس است. کاش وقت داشتیم تا در مورد برخی از این موارد با شما صحبت کنم.

مجموعه‌ای از ۱۰ ساعت، gmeadors.com، آیات ۵ و ۶ فوق‌العاده هستند. من در وب‌سایت خودم، سخنرانی در مورد میوه روح‌القدس دارم که در حال تدریس است. و در سخنرانی مربوط به میوه روح‌القدس، به مضمون غلاطیان ۵ و ۶ اشاره می‌کنم. اگر علاقه‌مند باشید می‌توانید به آنجا مراجعه کنید.

می‌گویم، به روح القدس زندگی کنید و خواهش‌های نفس را ارضا نکنید. به عبارت دیگر، دنیوی زندگی ۱۶:۵ نکنید. زیرا آنچه نفس می‌خواهد، مخالف روح القدس است.

آنچه روح می‌خواهد با جسم در تضاد است. به عبارت دیگر، حکمت خدا، حکمت انسان. همان سناریو

زیرا اینها با یکدیگر مخالفند تا شما را از انجام آنچه می‌خواهید باز دارند. اما اگر از روح هدایت شوید، مطیع شریعت نیستید. حال، اعمال نفس آشکار است.

چگونه آن را بیان می‌کند. 5:18. غلاطیان NIV 2011 اگر توسط روح هدایت می‌شوید. بیابید ببینیم که اوه، من آن را روشن کردم. 5:18.

غلاطیان ۵:۱۸. شگفت‌آور است که این چیزها چقدر کوتاه هستند. تمرکز کنید. اما اگر توسط روح هدایت شوید، تحت شریعت نیستید.

باشه. هدایت شده توسط روح. اینم از اصطلاحاتش.

به نظر شما هدایت شدن توسط روح به چه معناست؟ به جرات می‌توانم بگویم که بارها، شما و دیگران عبارت «من توسط روح هدایت شده‌ام» را به عنوان ادعایی برای نوعی عمل یا تصمیمی که گرفته‌اید، در نظر می‌گیرید. این زمینه‌ی بحث نیست، درست است؟ زمینه‌ی بحث غلاطیان ۵ چیست؟ زمینه‌ی بحث غلاطیان ۵ تقدیس است. زیستن بر اساس ثمره‌ی روح، نه بر اساس اعمال نفس.

این رشد اخلاقی است. این فضایل و رذایل است. غلاطیان ۵:۱۸. منظور از هدایت شدن توسط روح چیست؟ این یک استعاره است.

این به معنای گذاشتن دستت در دست مردی که روی آب راه رفته نیست. می‌دونی، آگه تا حالا اون آهنگ رو شنیده باشی. منظورش این نیست.

این یک استعاره است. لد استعاره‌ای برای تقدیس است. در این زمینه، اگر شما توسط روح هدایت می‌شوید، اگر به دنبال تقدیس هستید، پس شما تحت شریعت، آنطور که در این زمینه فهمیده می‌شود، نیستید.

این مربوط به رهبری شخصی نیست. این مربوط به شنیدن صدایی نیست که به شما بگوید چه کار کنید یا به چه چیزی ایمان داشته باشید. این به کتاب مقدس منتقل شده است.

این از کتاب مقدس نمی‌آید. ما کلیشه‌های زیادی داریم که واقعاً در مورد نحوه ارتباط خدا با ما، از نظر معرفت‌شناسی و از نظر نحوه عملکرد روح، آشفته هستند. این پنوماتولوژی (روح‌شناسی) است.

بنابراین، غلاطیان ۵:۱۸ مربوط به تقدیس است. مقاله‌ی بسیار خوبی از پی‌پی وارفیلد با عنوان «هدایت روح» در مجموعه‌ی مطالعات کتاب مقدسی و الهیاتی او وجود دارد. اکثر کتابخانه‌ها این مقالات را دارند.

باید بتوانید بدون دردرس زیاد آن را مطرح کنید. این هم یکی دیگر از آنهاست. بحث در اتاق بالا

این نکته‌ی جالبی است. در باب ۱۴ انجیل یوحنا، در متن، ما در اتاق بالا، در شب قبل از مصلوب شدن عیسی مسیح هستیم. و در باب ۱۴:۲۶ انجیل یوحنا، این را می‌خوانیم

با حروف قرمز نوشته شده، که هیچ‌کس نباید هرگز از آن استفاده کند. الان حتی نمی‌دانم با عینکم چه کار کردم. دیگر اینجا نیستند

حتماً آنها را جای دیگری گذاشته‌ام. ببینم می‌توانم بخوانم یا نه. خواندن قرمز برای من سخت است

یوحنا ۱۴:۲۶. اما مدافع، یعنی روح‌القدس، که پدر او را به نام من می‌فرستد، همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و هر آنچه را که به شما گفته‌ام به یادتان خواهد آورد. وای. شنیده‌ام که مردم این یکی را از کلاه بیرون می‌کشند

آنها خواهند گفت، من علاقه‌ای به آموزش شما ندارم. خدا به من آموزش می‌دهد. روح‌القدس به من آموزش می‌دهد

و علاوه بر این، عیسی همیشه این کار را انجام می‌دهد. من صدای او را می‌شنوم و هر شب خواب می‌بینم. آیا این آیه در مورد همین است؟ اول از همه، ما در اتاق بالا هستیم

عیسی، و در این مرحله، باید ترتیب زمانی و ۱۱ مورد را بررسی کنم. یهودا درست قبل از عشای ربانی رفت. اگر آن را با هماهنگی بررسی کنید، او درست قبل از عشای ربانی رفت

آنها در بالاخانه هستند. عیسی شاگردانش را که رسولان هستند و قرار است رهبران کلیسا باشند، مخاطب «قرار می‌دهد. این بخش پایانی آیه ۲۶ را که می‌گوید: «تمام آنچه را که گفته‌ام به شما یادآوری می‌کنم معنادار می‌کند»

می‌خواهم تمام چیزهایی که گفتم را به شما یادآوری کنم. برای اینکه این اتفاق بیفتد، باید آن را شنیده باشید. این در مورد همکاری خدا با حواریون است

در واقع، بسیاری از مفسران این را وعده‌ای به حواریون می‌دانند که آنها قادر خواهند بود آموزه‌های عیسی را به طور دقیق بازسازی کنند، کاری که برخی از آنها بر اساس خود انجیل‌ها انجام دادند. این یک وعده کلی به من نیست که همه چیز را به شما یاد بدهم و همه چیز را به شما یادآوری کنم. می‌دانید، دانش آموزان دوست دارند این آیات را قبل از امتحانات داشته باشند

می‌دونی، پروردگارا، همه چیز رو بهم یادآوری کن. من همیشه دعا می‌کردم، پروردگارا، که هر چیزی رو که مطالعه می‌کنن بهشون یادآوری کنی. خب، این کاملاً درسته

بسیار خوب، نه تنها ۱۴:۲۶، بلکه ۱۶:۱۳. هنوز در بالاخانه هستم، ۱۶:۱۳. عیسی در آیه ۱۲ می‌گوید چیزهای زیادی برای گفتن به شما دارم

شما کیستید؟ شاگردان، نه ما. ما آن را در درجه دوم اهمیت برای شما می‌دانیم، اما شما اکنون نمی‌توانید آنها را تحمل کنید. وقتی روح حقیقت بیاید، شما را به تمام حقیقت هدایت خواهد کرد، زیرا او از جانب خود سخن نخواهد گفت، بلکه هر چه را که می‌شنود خواهد گفت و از چیزهایی که قرار است بیاید به شما خبر خواهد داد و مرا جلال خواهد داد

ببینید، این بین عیسی و حواریون است. قرار نیست این‌ها از گفتمان اتاق بالا استخراج شوند، به دیوار آویزان شوند انگار که من هستم. نه، آن‌ها من نیستیم.

من از آنها بهره می‌برم زیرا حواریون در نوشتن انجیل‌ها، در نوشتن رساله‌ها توسط عیسی هدایت می‌شدند، و حتی فکر می‌کنم در آیه ۱۵:۲۶ در مورد آخرت‌شناسی صحبت شده است. وقتی آن مدافعی که من نزد شما می‌فرستم، یعنی پدر، بیاید، روح حقیقت از پدر می‌آید. او از طرف من شهادت خواهد داد.

شما نیز باید شهادت دهید زیرا از ابتدا با من بوده‌اید. دوستان من، همه اینها نوشته‌های رسولان است. با بیرون کشیدن این متون از متن اصلی، از کتاب مقدس سوءاستفاده نکنید.

اینها وعده‌هایی هستند که به هماهنگی خدا با جامعه رسولان مربوط می‌شوند. بله، برخی از نویسندگان آنجا نبودند، اما نکته جالب در کلیسای اولیه این است که هر بار که لوقا چیزی می‌گفت، به این دلیل که او شاگرد پولس بود، توجیه می‌شد. هر بار که مرقس چیزی می‌گفت، به این دلیل که او توسط پطرس راهنمایی شده بود، توجیه می‌شد.

این افراد به طور گسترده در شهادت کلیسای اولیه در مورد نوشته‌های کتاب مقدس، توسط رسولان پوشش داده شده‌اند. بنابراین، ما تعدادی جمله در گفتمان اتاق بالا داریم که مربوط به دریافت حقیقت است، اما ربطی به دریافت آن توسط ما ندارد. آنها مربوط به دریافت آن توسط شاگردان است.

بنابراین، اینها وعده‌هایی نیستند که بتوانیم از مسئولیت خود برای مطالعه‌ی کتاب مقدس و رسیدن به نتیجه‌گیری‌ها شانه خالی کنیم. حال، مورد مهم، اول یوحنا ۲:۲۶ و ۲۷ است. حال، این مورد کاملاً جالب است.

منی‌دانم چند بار این موضوع به ذهنم رسیده است. این در اول یوحنا ۲:۲۶ و ۲۷ آمده است. اول یوحنا، این رساله‌های یوحنا واقعاً شگفت‌انگیز هستند.

آیا تا به حال باب دوم و سوم را خوانده‌اید؟ بسیاری از مردم حتی آن را هم نخوانده‌اند. این دو باب بسیار جذاب هستند و بینشی عمیق از کلیسای اولیه ارائه می‌دهند. باب اول یوحنا کمی الهیاتی‌تر از دو باب دیگر است.

آنها کمی بیشتر تاریخی هستند، اما در اول یوحنا ۲:۲۶ و ۲۷، به این قسمت گوش دهید. دوباره، من سعی می‌کنم تمرکز کنم. اینجا هستیم.

این چیزها را در مورد کسانی که می‌خواهند تو را فریب دهند به تو می‌نویسم. در مورد تو، مسح و مسح باید به عنوان روح ساکن در وجودت درک شوند. این یک تشبیه، استعاره‌ای برای روح ساکن در وجودت است.

آنچه از او دریافت می‌کنید در شما می‌ماند، و بنابراین نیازی ندارید کسی به شما تعلیم دهد. بلکه چنانکه مسح او همه چیز را به شما می‌آموزد و حق است و دروغ نیست، و چنانکه به شما آموخته است، و چه به شما آموخته است؟ در او بمانید. اکنون، ای فرزندان خداوند، در او بمانید که او عیسی است، تا وقتی او آشکار شود، ما اطمینان داشته باشیم و شرمنده نشویم.

وای، این یکی را از من گرفتند. من به معلم نیاز ندارم. روح همه چیز را به من یاد می‌دهد.

اما این در متن به چه معناست؟ خب، اول از همه از خودتان چند سوال بپرسید. اگر ما به معلم نیاز نداریم، پس چرا خدا در افسسیان ۴ به عنوان هدیه به معلم عطا کرد؟ اگر ما به معلم نیاز نداریم، چرا عیسی در تمام مأموریت‌های انتهای انجیل‌ها و ابتدای کتاب اعمال رسولان گفت: به تمام دنیا بروید و چیزهایی را که من به شما آموخته‌ام، تعلیم دهید؟ اگر ما به معلم نیاز نداریم، چرا یوحنا اصلاً برای آنها نامه نوشت؟ او فقط باید دعا می‌کرد و از روح می‌خواست که به آنها بگوید چه فکری باید بکنند. می‌بینید، همه اینها شواهدی علیه فرض برداشت سطحی از این متن است که نوعی جایگزینی برای تلاش برای درک کلام خداست و روح فقط از آن مراقبت خواهد کرد.

بیا بیا دوباره به آن نگاه کنیم، و من می‌خواهم یک کلمه اینجا اضافه کنم تا به شما در درک متن کمک کند در مورد شما، مسیحی که از او دریافت می‌کنید در شما می‌ماند، و بنابراین به کسی احتیاج ندارید، و حالا این کلمه، بعد از هر کسی در آیه ۲۶ آمده است، یا آن ۲۷ است؟ شما ندارید، به کسی دیگر احتیاج ندارید که به شما تعلیم دهد. می‌بینید، یحیی به آنها تعلیم داده بود، اینها شاگردان او هستند.

یوحنا پس از مرگ پولس، آسیای صغیر را به ارث برد و کلیساهای آسیای صغیر را راهنمایی کرد. او معلم آنها بود. آنها روح خدا را دریافت کرده بودند.

روح خدا، مسح، به آنها تأیید کرد که یحیی در آنچه گفته بود، درست می‌گفت. اکنون آنها توسط معلمان دروغین و سوسه شده‌اند تا از درکی که از یحیی دریافت کرده بودند، منحرف شوند، و یحیی می‌گوید، چرا این کار را می‌کنید؟ روحی که شما را متقاعد کرد که آنچه من به شما گفتم درست است، هنوز هم شما را متقاعد می‌کند، پس از انحراف دست بردارید و از آنچه آموخته‌اید پیروی کنید. شما نیازی به تعلیم کس دیگری ندارید، بلکه روح خدا تعلیمی را که دریافت کرده‌اید، تأیید می‌کند.

در او بمانید. می‌بینید، هر متنی که بیرون کشیده می‌شود تا به عنوان اهرمی برای ادعای نوعی تعلیم مستقیم روحی جدا از کتاب مقدس استفاده شود، بی‌معنی است. این نشان دهنده عدم مطالعه دقیق زمینه است.

این استفاده از کتاب مقدس است. این سوءاستفاده از کتاب مقدس است تا درک کتاب مقدس. نقش روح در تفسیر این است که شما را متقاعد کند که بهتر است مشغول شوید، شما را متقاعد کند که این درست است، واقعی است، قانع کننده است و شما باید تکلیف خود را انجام دهید.

در غیر این صورت، شما فقط تلویزیون تماشا می‌کنید، یا فقط با دوستان صبحانه و قهوه می‌خورید، و جلسات چت خواهید داشت، اما هرگز کلام خدا را در تفکر خود جذب نخواهید کرد. بنابراین از نظر معرفت‌شناختی، روشن‌بینی، شانه خالی کردن از مطالعه نیست. هر مشروعیتی که کلمه روشن‌بینی داشته باشد، به شهادت روح از کلام مربوط می‌شود که باید آن را تصاحب کنید.

این چیزی است که پولس، یوحنا و حتی عیسی درباره آن صحبت می‌کنند. روح القدس یاور بزرگی است، اما جایگزین کاری که خدا هر یک از ما را به انجام آن فراخوانده است، نمی‌شود. در واقع، این ما را به پایان فصل دوم می‌رساند.

حالا فصل‌های سه و چهار را داریم، و متأسفانه، من باید چند تصمیم بگیرم، تصمیمات اجرایی. تقریباً چهار ساعت را صرف فصل‌های یک تا چهار کرده‌ایم و فصل‌های زیادی باقی مانده است. کلی حرف دارم که باید به شما بزنم، اما نه الان. یک طرح کلی کوچک به شما داده‌ام که می‌توانید دنبال کنید.

می‌توانید تفاسیر را بخوانید. عباراتی هست که بی‌صبرانه منتظرم درباره‌شان صحبت کنم. فراتر از آنچه نوشته شده و تعدادی از آن موارد نروید؛ می‌توانید درست مثل من آنها را بیرون بکشید تا برایتان تعریف کنم، اما خودتان آنها را بیرون بکشید.

اگر این کار را انجام دهید، خیلی بیشتر قدرش را خواهید دانست. ما در مورد ایده وجدان صحبت خواهیم کرد. من قبلاً به فصل چهارم، آیه چهارم، اشاره کردم که آیه بسیار مهمی است، اما وقتی به فصل‌های هشتم تا دهم برسیم، به طور مفصل به وجدان خواهیم پرداخت.

خب، از یک تا چهار چالش بزرگی است. ما کمی شروع کردیم. داشتیم به این فکر می‌کردم که یکی از سخنرانی‌ها در آیات یک تا نه را دوباره انجام بدهم چون آنجا خیلی خوب کار نکردم، اما یک ساعت است و من ساعت‌های زیادی برای انجام دادن دارم، بنابراین می‌خواهم با آن کنار بیایم و امیدوارم در ادامه با ما همراه باشید.

ما روزهای بهتری نسبت به روزهای دیگر خواهیم داشت، اما من همیشه سعی می‌کنم واضح باشم. به همین دلیل است که به شما یادداشت داده‌ام و شما را تشویق کرده‌ام که این موارد را بررسی کنید. خودتان تکالیفتان را انجام دهید.

اگر این کار را انجام دهید، به بخش بهتری از وجودتان تبدیل خواهد شد. من یک محرک هستم. من اینجا و آنجا الگویی به شما می‌دهم و امیدوارم که شما را تشویق کند تا شاگرد خوبی برای کلام خدا شوید. به نام عیسی. آمین.

این دکتر گری میدورز در حال تدریس کتاب اول قرن‌تین است. این سخنرانی ۱۲، پاسخ پولس به ابلاغیه شفاهی از خانه کلویی، فصل ۲، آیه ۵ تا آیه ۱۶ است.